

آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی از منظر نظامی گنجوی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۳

آیدا کیانفر^۱

حمیدرضا صارمی^۲

چکیده

آرمان‌شهر درک ذهنی تولید شده توسط هر جامعه نسبت به موقعیت خود در تاریخ و فرهنگ محسوب می‌گردد و یکی از موضوعاتی است که در دوره‌های مختلف، گاه به شکل متن ادبی، گاه به معنای نظامی اجتماعی- سیاسی و گاه مکانی غیرممکن و دست‌نیافتنی و گاه ممکن مطرح شده است، اما ترسیم آن برحسب زمان و مکان جلوه‌ای گوناگون پذیرفته است. در ایران، از زمان باستان تا تمدن اسلامی، این اندیشه از سوی بسیاری متفکران و اندیشمندان به صورت متنوع مطرح شده است که تبیین تصویری روشن از آن، می‌تواند نقش بسزایی در تولید مدل آرمان‌شهر ایرانی- اسلامی و کاربری آن به عنوان سنجۀ میزان مطلوبیت شهرهای امروز داشته باشد. در این راستا، در پژوهش حاضر، آرمان‌شهر در تمدن ایرانی- اسلامی با اتکا بر آرا نظامی گنجوی، مورد واکاوی قرار گرفته است. هدف اصلی تدوین چارچوب مفهومی دیدگاه این شاعر و اندیشمند در ارتباط با مفهوم آرمان‌شهر با تأکید بر نقش آن در شهرسازی ایرانی- اسلامی بوده است. از این حیث، با بهره‌گیری از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی، به تبیین مفاهیم آرمان‌شهر نظامی در منظومۀ دوگانه/سکندرنامه شامل شرفنامه و اقبالنامه پرداخته و سپس ارتباط میان مفاهیم در مدل مفهومی آرمان‌شهر ایرانی- اسلامی، با استفاده از تکنیک فراتحلیل بیان شده است. از نتایج کاربری این رهیافت در آثار دیده شده برمی‌آید که آرمان‌شهر اسلامی- ایرانی، فارغ از ابعاد زمانی- مکانی، با مرکزیت انسان اوتاد بر مفاهیم حکمت و عدالت استوار است که به عنوان نمودی ایده‌آل برای شهرهای امروز بر پایه شرایط و زمینه آنهاست.

واژگان کلیدی: آرمان‌شهر، نظامی گنجوی، آرمان‌شهر ایرانی- اسلامی، آرمان‌شهر نیکان، عدالت.

۱ پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
ayda.kianfar@modares.ac.ir

۲ استادیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
saremi@modares.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

توصیف آرمان‌شهر به‌مثابه واژه‌ای عمومی برای جهان ایده‌آل و برتر، از دیرباز دغدغه متفکران و اندیشمندان در تمدن‌های گوناگون بوده است. گرچه، ترسیم آن برحسب زمان و مکان جلوه‌های گوناگون پذیرفته است، اما اغلب بر این باور بوده‌اند که آرمان‌شهر بیانی از «آرمان‌ها و خواسته‌های»^۱ (Sarakemsky, 1993: 111-112؛ علی آبادی، ۱۳۸۲) یک جامعه خوب به‌مثابه «جایگزینی» در برابر وضع موجود و وسیله‌ای است که از طریق آن، می‌توان جهان را فراتر از نظم موجود درک نمود. چنین ایدئولوژی از آرمان‌ها و اجتماعی سخن می‌گوید که بشر برای دستیابی به آنها در تلاش است و چشم‌اندازی گاه مؤکد بر تغییر، گاه انتقادی و گاه با ماهیتی جبرانی می‌یابد.

همان‌طور که بیان شد، زمینه محوری و تناسب فرهنگی از ویژگی‌های اساسی و ذاتی تفکر آرمان‌شهری در طول تاریخ بوده است. در ایران، از دوران اساطیری تا تمدن ایرانی-اسلامی (مفتخری، ۱۳۷۶: ۶-۸)، به عنوان تمدنی با جوهره مبتنی بر توحید، آرمان‌شهر در اندیشه متفکرین ایرانی-اسلامی خود را به منصفه ظهور رسانده است. این آرمان‌شهر به عنوان مکانی برین، برتر از وضع موجود، آرمانی و بهشت آمال و آرزوهای ساکنان آن مورد توجه قرار گرفته و به یکی از محوری‌ترین مباحث فکری معاصر با وجه انتقادی از وضع موجود شهرها بدل گشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد تبیین این مفهوم از میان اندیشه واضعانی که با اتکا به تمدن ایرانی-اسلامی آن را در ذهن می‌پرورانده‌اند و شناخت ویژگی‌های آن از منظر اندیشمندان این تمدن، به منظور ترسیم شهر ایرانی-اسلامی ضرورت دارد.

از همین‌رو، در این مقاله، از میان اندیشمندان دوران ایرانی-اسلامی، نظامی گنجوی، سخن‌سرای نامی^۲ قرن ششم (منصوریان سرخگویه، ۱۳۸۸: ۱۵۳)، به عنوان یکی از صاحب‌نظران با خاستگاه اندیشه‌ای ایرانی-اسلامی بررسی گردیده است. آراء وی بر تفکر آرمان‌گرایانه طبری^۳

1 Aspirations and desires

۲ جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن موید نظامی که در سال ۵۳۰ هجری در شهر گنجه (آذربایجان کنونی) به دنیا آمد. دوران وی هم‌زمان با دوره سلجوقی دوم و حکومت اتابکان است. وی تقریباً همه عمر را در گنجه سپری نمود و سرانجام بین سال‌های ۵۹۸-۵۶۰ دیده از جهان بست (فاضلی، ۱۳۸۱: ۲۸۳-خاتمی و هادیان، ۱۳۹۴: ۵۷).

۳ ابوجعفر محمدبن حریر طبری در تفسیر خود از آله ۱۵۹ اعراف، داستان شهری با مردمان بهروز و رستگار را بازگو می‌کند. پیامبر در شب معراج همراه جبرئیل به سرزمین قومی می‌روند که بر آمدگاه آفتاب پس از ناحیت جین (چین) و

و بحارالانوار^۱ و همچنین سایه آرمان ایرانی از آرای فردوسی و شیخ اشراق با تأکید بر ایران کهن برای مثال ورجمکرد^۲ و به‌ویژه کنگ‌دژ^۳ استوار بوده است (اصیل، ۱۳۷۱: ۴۷). این اندیشمند در قصه خسرو و شیرین با عبور از اقلیم ژهد مخزن الاسرار و ورود به دنیای آنان در جستجوی جامعه آرمانی است و در قصه لیلی و مجنون نیز سیری در آفاق یک ناکجاآباد در دنیای سنت‌ها و محنت‌های بادیه می‌کند، گو اینکه ناکجاآباد لیلی و مجنون کمتر از خسرو شیرین بی‌«امید» نیست. زرین‌کوب معتقد است که، نظامی گنجوی در هفت پیکر نیز به دنبال ناکجاآبادی است که سرانجام وی را در موکب اسکندر به مرز اقلیم ناکجاآبادی می‌رساند و می‌گوید:

کسی کینزد از خلق با ما قرار که باشد چو ما پاک و پرهیزگار

در دیگر سوی رودی قرار دارد که نام آن «اردوان» و در آن ریگ روان است. این شهر دارای نظام اقتصاد اشتراکی، زمین بارور، انبار عمومی در شهر و برداشت به اندازه نیاز، منزلت اجتماعی و برابری، خانه‌ها دارای بلندای برابر، خانه‌هایشان در بلندی در است، مردمان آن دارای اخلاق نیکو، سلامتی و عمر طولانی هستند (اصیل، ۱۳۷۱: ۵۰).

۱. محمد باقر مجلسی در کتاب بحارالانوار در شرح ماجرای ذوالقرنین داستان آرمان‌شهری را آورده که با آرمان‌شهرهای نظامی و طبری همانندی کاملی دارد. مردم این شهر از قوم موسی هستند مردمی پارسا که خداوند به پادشاه پارسایی، زندگی‌شان را قرین سعادت ساخته است. در این داستان نیز روش پرسش و پاسخ به کاررفته و این‌بار پرسنده ذوالقرنین است. وی در گشت و گذار خود به گرد جهان به این مردم رسیده و از راه و روش زندگی‌شان می‌پرسد و آنان در پاسخ به جامعه آرمانی خود را شرح می‌دهند. می‌گویند مردگان را در آستانه منزل به خاک می‌سپارند تا همواره پروای مردن کنند. چون ستم‌پیشه و افزون‌خواه نیستند، این شهر بری از فرمانرواست چون دست به دزدی نمی‌زنند، خانه‌ها در آن بدون در هستند. جامعه بی‌طبقه، در دادوستد عادل و در خواسته و دارایی همه انبازند از این‌رو تهیدست ندارند. عمرشان طولانی و دل‌های شاد دارند چون به خدا توکل دارند (اصیل، ۱۳۷۱: ۵۱).

۲. ایرانیان نخستین که از ایرانویچ کوچیده بودند همواره خاطره خوش و تصویری زیبا از آن سرزمین مینوی را فریاد داشتند. جمشید در ایرانویچ دژی ساخت که ورجمکرد نامیده شد (اصیل، ۱۳۷۱: ۴۸). ورجمکرد شهری زیرزمینی و بزرگ است که از آن در برابر دگرگونی آب و هوا محافظت می‌شود. طرح آن مدور است که نمادی از هزیمت مرگ از حلقه محافظ شهر و شهرنشینان و نشان‌دهنده زمان است. این شهر شهری شاد و عاری از بیماری و مرگ است که نطفه زیباترین مردوزن و حیوانات را در آن قرار داده‌اند. زیبایی در این شهر با اهمیت برشمرده شده است. مردمان آن دارای عمر طولانی هستند. نهاد خانواده، حکومت و دین برجسته می‌باشد و عدل و قسط، مهر و عطف در جریان است. در این شهر همه‌چیز به هست‌ها اشاره دارد به این معنی است که تمامی چیزها شرایط زیست را فراهم می‌سازند. شهر غرق در روشنایی و غروب یک‌بار در سال اتفاق می‌افتد و دارای در و دروازه است (همان: ۴۸).

۳. کنگ‌دژ یا سیاوش‌گرد توسط سیاوش پسر کیکاووس روی آسمان بنا و توسط کیخسرو به زمین آورده شده است. در توران (چین) واقع شده، دارای هفت دیوار از هفت نوع مصالح، کوشک آن از سیمین و کنگره آن از زرین و دارای چهار کوه و هفت رود پر آب است که توسط ۷ مرغ پاسداری می‌شود. ۱۵ در به بلندای قامت ۱۵ مرد دارد و زمین در آن بارور است و همه روز یزدان مورد پرستش قرار می‌گیرد (اصیل، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۹).

این دلیلی بر یک عمر پی‌جویی صبورانه در جستجوی «مدینه فاضله»، به عنوان سرزمین بهجت و سعادت و تنها زیستگاه پاکان و پرهیزگاران، محسوب می‌شود. در این پژوهش؛ از میان آثار نظامی گنجوی^۱ / اسکندرنامه^۲ شامل منظومه‌های شرف‌نامه و اقبال‌نامه با شالوده منطقی و مبانی آرمان‌شهر (مدینه فاضله) به‌طور عام و آرمان‌شهر زنان به‌طور خاص، به منظور تدوین چارچوب آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی مطالعه شده است. از همین رو، با توجه به اینکه این مفهوم، در طی سالیان گذشته در ادبیات نظری مطالعات شهری و بالخصوص ادبیات اسلامی-ایرانی، به عنوان ابزاری مؤثر در مسائل حل نشده حال و آینده شهرها نادیده انگاشته شده و تنها جنبه تخیلی و انتقاد ادبی آن مورد توجه قرار گرفته است، چنین به نظر می‌رسد که با شناخت آرای وی در زمینه آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی، می‌توان مدلی از آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی تبیین نمود که بر پایه آن، زمینه حل مسائل شهرسازی و ناکارآمدی نظریه‌های نامتناسب با زمینه‌های فکری-اعتقادی را با توجه به پیوستگی ذاتی آن با زمینه‌های فکری-فرهنگی تاریخی به عنوان جایگزینی برای بهبود شرایط شهری امروزی فراهم نمود.

اهداف و پرسش‌ها

با توجه به اینکه موضوع آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی در مطالعات شهری جهان و در متون ایرانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، بنابراین، هدف اصلی این تحقیق شناسایی و بررسی اندیشه آرمان‌شهر نظامی گنجوی به‌منظور جستجوی چارچوبی کارا در زمینه آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی جهت استخراج مؤلفه‌های آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی همخوان با مقتضیات فرهنگی جامعه به‌مثابه دستاوردی برای مطالعات شهری است. از این رو، مهم‌ترین پرسشی که پژوهش حاضر درصدد

۱ مخزن الاسرار بیانگر پیوند شعر با شرع و علاقه به زهد و تشریح (۵۶۹)؛ خسرو و شیرین توصیف دوران پیش از اسلام (سلسله ساسانی) (۵۷۱)؛ لیلی و مجنون توصیف دوران اسلامی (۵۸۴)؛ هفت پیکر مبین دوران پادشاهی بهرام در سلسله ساسانی (۵۹۳) و آخرین اثر وی اسکندرنامه (شرف‌نامه و اقبال‌نامه) شرح کشورگشایی و حکمت دانایی و پیغمبری اسکندر (۵۹۹) می‌باشد.

۲ از آنجاکه اسکندر، قهرمان داستان، یونانی است و آثار افلاطون نیز یونان را مهد اندیشه آرمانی شناسانده، برخی پژوهندگان گمان برده‌اند که آبخور اندیشه نظامی را در سطح افکندن شهر آرمانی در منابع یونانی باید جست. آنچه چنین گمانی را قوت می‌بخشد شاید پیروی آرمانی‌گرایان جهان اسلام به‌ویژه حکیمان ایرانی از افلاطون باشد (اصیل، ۱۳۸۱: ۴۷).

برآمده به آن پاسخ دهد این است که مؤلفه‌های آرمان شهر ایرانی - اسلامی نظامی گنجوی به عنوان نماینده نظریه پردازان آرمان شهر ایرانی - اسلامی کدام‌اند؟ از این حیث، تلاش شده تا با مروری بر تفکرات ایرانی - اسلامی در خصوص شیوه‌های تداوم بخشی به آرمان شهر، به چارچوبی دست یافت که بر مبنای آن، آرمان شهر در برنامه ریزی شهری براساس نظرگاه ایرانی - اسلامی تبیین گردد. در ادامه، روند و چارچوبی که برای تحقق این هدف تدوین شده ارائه گردیده است.

پیشینه تحقیق

در پژوهش پیش رو، سعی شده است با تأکید بر آرا نظامی گنجوی و پژوهش‌های انجام شده، موضوع آرمان شهر از دل سنت و فرهنگ ایرانی - اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد. متأسفانه اهمیت آرا و نظرات نظامی گنجوی، به ویژه در دوره شکوفایی علم و دانش در قرن ششم، در پاسخ به مسائل شهرسازی با نگاهی آینده نگرانه، متعالی و آرمانی در ادبیات شهرسازی، نظرات او مورد توجه قرار نگرفته است. در خصوص فلسفه آرمان شهری وی چندین مقاله و کتاب موجود است که به شرح زیر به آنها پرداخته شده است:

از مهم ترین منابع در این زمینه کتاب پیر گنججه در جستجوی ناکجا آباد تألیف عبدالحسین زرینکوب (۱۳۷۲) است که در ابتدا، در بخش شهر بند گنججه، اشاره می کند که شاعر با توجه به نابسامانی‌های زمانه، عزلت و انزوا پیشه نموده است. از این رو، ضمن انصراف از ابتذال محیط عصر، وی با نمونه‌های کمال انسانی - که جامعه همعصر او روزه روز از آن فاصله می گرفت - آشنا شده و خویشان را برای جستجوی کمال مطلوب انسانی و ترسیم الگوی انقلاب در آن مدینه جاهله، آماده می کرده است.

اصیل (۱۳۷۱) در مقاله «تصویر «کنگ دژ»، آرمان شهر نظامی گنجوی» و همچنین در «داستان شهر زیبایی^۱ روایتی از آرمان شهر نظامی گنجوی» (۱۳۸۵)، اندیشه دست یافتن به یک شهر زیبا و آرمانی را به عنوان آرزوی انسان در طول قرون و اعصار، در فرهنگ و ادب مردم جهان، در شرق و غرب، با اهمیت می داند. از این رو، با بررسی شاهکار نظامی گنجوی، پنج گنج، از جمله اسکندرنامه، اسکندر را به عنوان شخصیتی با جلوه اسطوره‌ای که آمیزه‌ای از فیلسوف، شاه و

۱ عنوان شهر زیبایی از بیت شیخ محمود شبستری برگرفته شده است:

به سوی شهر زیبایی علم زد همه ترتیب عالم را به هم زد

پیامبر و راوی شهر زیبایی، که شهر نیکان یا خوبان نام گرفته است، برمی‌شمرد و به توصیف آن می‌پردازد. سرانجام طی بیست و هفت سال در جستجوی مدینه فاضله، آرمان‌شهر نیکان همان‌نا- کجاآباد معرفی می‌گردد.

حاجی بنده و موسوی (۱۳۹۱) با تأکید بر خاستگاه ایرانی- اسلامی آرمان‌شهر نظامی گنجوی، مؤلفه‌های مدنظر وی را اخلاق شهروندی، بازیگران، کارگزاران و نظامی‌مدیریتی مطرح نموده است و ساختار اصلی و فضایی کالبدی شهر را مبتنی بر فضای سبز بیان می‌دارند.

احمد پناهی نیز در مقاله «مروری در آرمان‌شهر نظامی گنجوی» نیز به تفاوت آرمان‌شهر نظامی گنجوی و جامی پرداخته است و آرمان‌شهر نظامی گنجوی را مبین ذهنیات فلسفی می‌داند که بر جنبه عملی و واقعی بودن آرمان‌شهر تأکید دارد و با آفریدن حوادث رنگارنگ در داستان، مدینه فاضله را ارائه می‌دهد.

حسینی (۱۳۸۵) در مقاله «آرمان‌شهر زنان: مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی»، با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اتوپایی به بررسی آرمان‌شهر زنان در شاهنامه فردوسی و نظامی گنجوی و شباهت‌های این داستان با داستان‌های اساطیری زنان آمازون می‌پردازد و ایده آن را برگرفته از اسکندرنامه‌های منشور می‌داند که در آنها به آرمان‌شهر زنان اشاره شده و این موضوع بر فمینیست‌های عصر حاضر مؤثر واقع شده است.

طغیانی و معینی فرد (۱۳۸۷) نیز در مقاله «آرمان‌شهر زنان در خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای» نیز بر زنان و آرمان‌ها و حقوقشان به عنوان موضوع مورد توجه سال‌های اخیر اشاره دارد که در قرن ششم هجری در آرا نظامی گنجه‌ای ظهور یافته است و اکثر مفاهیم فمینیستی در نظریه‌های مدرن را دربردارد.

سعید حمیدیان در کتاب *آرمان‌شهر زیبایی* به موضوع قهرمانان و ضد قهرمانان و تیپ‌های شخصیتی داستان‌های نظامی گنجوی و تناقض موجود در شخصیت‌های داستانی وی پرداخته است و بیشتر در زمینه هنر داستان‌پردازی نظامی و زیبایی بیان او بحث کرده است (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۱).

شاه سنی (۱۳۷۷) در مقاله «دادپرور دیار» (آرمان‌شهر نظامی گنجوی)، به بررسی سیر تحول مفهوم آرمان‌شهر در آرا توماس مور، افلاطون، فارابی و شیخ اشراق از ناکجا آباد، لامکانی،

بی‌جایی و اوتوپیا پرداخته است و به تأثیرپذیری نظامی گنجوی از آرا آنان در ارائه ایده آرمان‌شهر خود اشاره نموده است.

فلاحی (۱۳۷۳) در مقاله «شهر خوبان، گذری در آرمان‌شهر نظامی گنجوی» به توصیف آرمان‌شهر نظامی گنجوی با تأکید بر ابیات شعر وی اشاره دارد. وی در مقاله «آرمان‌شهر ایرانی و راهبردهای آن (جستاری در اندیشه‌های آرمان‌گرایانه نظامی گنجوی)» (۱۳۸۹) اندیشه آرمان‌شهری نظامی گنجوی مبتنی بر دو نظام فکری ایرانی و غربی است و آن را متأثر از آرا ایرانی از جمله اسطوره‌های ایرانی ورجمکرد و کنگ دژ و فیلسوف خراسانی فارابی و اندیشه‌های فیلسوفان یونانی می‌داند.

بهروز ثروتیان در کتاب *اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای و آئینه غیب نظامی گنجه‌ای در مورد جایگاه انسان در آفرینش و صفات معنوی وجود بحث مختصری کرده است (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۱)*.

طغیانی و حاتمی در مقاله «رابطه اخلاق و ادبیات با رویگری به آثار نظامی گنجه‌ای» به موضوع هویت فردی انسان از دیدگاه نظامی پرداخته و در مورد جایگاه و ارزش زن در اندیشه نظامی هم بحث کرده‌اند (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۱).

کریمی و نوروزی (۱۳۸۷) در مقاله «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی» به تحلیل آرمان‌شهر *اسکندرنامه* نظامی و به نقش و جایگاه پادشاه و صفات معنوی وجود او در این آرمان‌شهر پرداخته و دیدگاه نظامی گنجوی را مبتنی بر حقیقت در مقابل واقعیت و راستی و درستی شاه آرمانی، کانون اندیشه سیاسی ایرانشهری می‌داند. عدالت را به شاه توصیه می‌نماید و تخصص، کردانی و کارایی را با اهمیت می‌یابد.

ممتاز (۱۳۸۴) در مقاله «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه»، مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایرانشهری در *اسکندرنامه* نظامی گنجوی را اصالت و استقلال متعلق به امر سیاسی، عدم توجه به واقعیت و توجه به حقیقت، نقادی زمانه، اعتقاد به نظریه شاهی آرمانی، توجه به عدالت و مصلحت عمومی، جایگاه ممتاز وزارت و مشاوره، تأکید بر تخصص، کردانی و کارایی، اهمیت جنگ و امور نظامی و محوریت آن در اتخاذ تصمیمات سیاسی، شناختن فتنه به عنوان نقطه شروع بدی‌ها، آمیختگی سیاست با همه اموری که به نوعی کشورداری پیوند دارد، برمی‌شمرد.

فاضلی (۱۳۸۱) در مقاله «راه و رسم فرمانروایی در اندیشه نظامی» به آیین حکمرانی از دیدگاه حکیم نظامی پرداخته است و شروط آن را مشروعیت، مقبولیت و مداومت دانسته که با زبان پند و اندرز سعی نموده است افکار خود را بیان و جامعه را بدان سو سوق دهد و مؤلفه‌های آن را خردمندی، همکاری و هنرمندی برشمرد و دولتی را موفق می‌داند که متکی بر مشاوره و راهنمایی افراد خردمند و مردمدار باشد. وی تأکید نموده است که جنسیت نیز در حکومت مطرح نمی‌باشد و حکومت مبتنی بر فکر و اندیشه، عدل و انصاف است.

هدف این مقاله استخراج مفاهیم رایج در شهرسازی امروز از دل فرهنگ آرمان‌شهری ایرانی - اسلامی با تأکید بر آرای نظامی گنجوی است. از این رو، از مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده چنین برمی‌آید، که به‌طور مشخص، پژوهشی در خصوص شناخت و توصیف ویژگی‌های آرمان‌شهر از منظر اندیشمندان ایرانی - اسلامی و به‌ویژه «نظامی گنجوی» با تأکید بر تأثیرگذاری بر دانش شهرسازی امروز انجام نشده است. این در حالی است که چنین پژوهشی با توجه به اهمیت موضوع آرمان‌شهر در شهرسازی امروز، می‌تواند در ارائه افق‌های تازه برای نظریه و دانش شهرسازی مؤثر باشد.

روش پژوهش

این پژوهش به دنبال استخراج چارچوب آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی است. برای این هدف روش تحقیق اساساً تلفیقی از روش‌های تحلیل متن و محتوای کیفی و فراتحلیل است. روش فراتحلیل روشی است که می‌توان نتایج پژوهش‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی کشف نمود. این روش تحلیل تحلیل‌هاست. به عبارت دیگر، شیوه‌ای دقیق برای ترکیب هدفمند نتایج مطالعات متعدد برای رسیدن به یک برآورد بهتر درباره حقیقت است که شامل جستجوی فراگیر برای تمامی مدارک موجود، به‌کارگیری معیارهای روشن و قابل شمول و تعیین یک اندازه اثر برای هر پژوهش می‌شود. در بخش نخست مقاله (تعریف مفاهیم) به مفهوم آرمان‌شهر در ادبیات نظری و نقش آن در ادبیات نظری این حوزه پرداخته شده است. پس از تبیین جایگاه آن در اندیشه‌های نظری، با رجوع به اندیشه آرمان‌شهر نظامی گنجوی، براساس منابع دست اول از جمله کتاب‌های تألیفی وی، منظومه اسکندرنامه (شرف‌نامه و اقبالنامه) و منابع دست دوم از جمله کتاب‌های تألیف شده و مقاله‌های علمی مرتبط با اندیشه وی، با استفاده از

روش تحلیل محتوای کیفی (بلیکی، ۱۳۸۵) از طریق تطبیق متن با خود متن و درک مفاهیم متن به طور مستقیم و همچنین به کمک شرح آثار توسط سایر پژوهش‌ها، مضامین کلی معتبر، که بن‌مایه این اندیشه را تشکیل می‌دهند، استخراج گردیده و براساس آن مدل مفهومی از طریق روش فراتحلیل ابعاد اصلی و نحوه ارتباطات آن ابعاد ترسیم شده است.

مباحث نظری پژوهش

۱- تعریف آرمان شهر

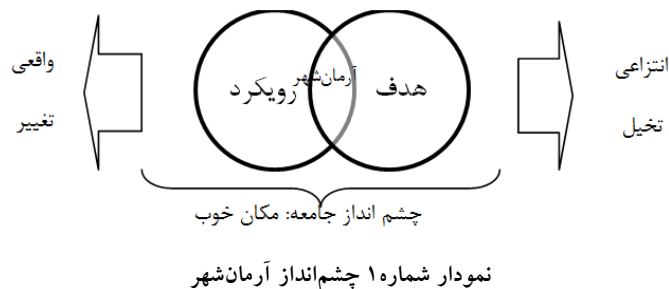
آرمان شهر به‌منابه چشم‌انداز جامعه‌ای مطلوب‌تر از آن چیزی که در حال حاضر وجود دارد مسیری طولانی در تفکر غربی و شرقی، از افلاطون تا فارابی، را پیموده است. در دیکشنری آکسفورد کلاسیک، اتوپیا^۱ اشتیاق غیر عملی تعریف شده است (Levitas, 2007: 296). چنین تفکری از زمان انتشار آرمان شهر توماس مور^۲ در سال ۱۵۱۶، تحت عنوان «آرمان شهر»^۳ یا «آرمان شهرگرایی» رواج یافته است که به‌طور هم‌زمان لامکان و مکان خوب معنی می‌دهد (Sarakemsky, 1993: 113). با وجود این، هاگ بلتر^۴ بر این باور است که «معنای لغوی آرمان شهر به معنی «لامکان» تاکنون تأیید نشده است» (Pinder, 2002: 229)، آرمان شهر متشکل از جهانی است که هنوز وجود ندارد، اما وعده چیزهای بهتر را پیش‌رو دارد (Wright, 2015: 231).

1 Utopia

۲ توماس مور در لندن متولد شد و زبان و ادبیات کلاسیک در آکسفورد (۱۴۹۲-۱۴۹۳) را مطالعه کرد. تقریباً در سال ۱۴۹۴، با اصرار پدرش آکسفورد را ترک کرد و به مطالعه قانون مشترک پرداخت و به عنوان یک وکیل موفق به لندن بازگشت. در سال ۱۵۰۴، مور به پارلمان راه یافت، اما پس از مخالفت با اعمال مالیات هنری هفتم مجبور شد که زندگی سیاسی را ترک گوید. از این‌رو، وی خوانش قانون و نوشتن متون انسانی و الهیاتی را، که از معروف‌ترین آنها اتوپیا (اولین بار در سال ۱۵۱۶ در لووان چاپ شد) بود، پی گرفت. کتاب اتوپیا شامل دو بخش است، بخش اول بر شرایط اجتماعی انگلستان در سده شانزدهم تمرکز دارد و دومین بخش (قبل از بخش نخستین نوشته شده است) گفتگویی میان مور و یک مسافر خیالی رافائل هایتلودی Raphael Hythloday است، که در سفر خود به جهان جدید جزیره‌ای ناشناخته شامل ملل مشترک‌المنافع آرمانی نویسنده رخ داده است (شاه سنی، ۱۳۷۷: ۳۲). مفهوم اتوپیا توسط مور ساخته شد و در یونان برای «بدون سرزمین» استفاده می‌شود (Zuzanek, 2016: 2).

۳ در یونانی، "topos" به معنای محل است، "ou" به معنی هیچ یا نه، درحالی‌که "eu" به معنای خوب یا بسیارخوب است. حرف "u" نشان‌دهنده هر دو این معانی است. همراه با ریشه "topos" به کلمه اتوپیا منجر می‌شود.

درحقیقت، آرمان‌شهر وسیله‌ای است که از طریق آن می‌توان جهان را درک نمود، فرایندی مبتنی بر ساختارهای ذهنی که در هر دوره تاریخی ایده‌هایی را فراتر از نظم موجود ارائه می‌دهد. چنین ایدئولوژی‌ای تنها زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های خاصی تلاش می‌کنند که این «آرزوها» را در رفتار واقعی خود به تصویر بکشند (Hatuka and D'Hooghe, 2007: 20-21). با توجه به اینکه آرمان‌شهرها ذاتاً نوعی چارچوب و قالب اندیشیدن درباره مسائل حل نشده زندگی را دارند و از آرمان‌ها و اجتماعاتی سخن می‌گویند که بشر برای دستیابی به آنها در تلاش است. می‌توان گفت که در مفهوم آرمان‌شهر، حداقل سه عمل وجود دارد که گاه، نگاهی مبتنی بر تغییر است، گاه نگاهی انتقادی می‌یابد و گاه با ماهیتی جبرانی تعریف می‌گردد. با این وصف، نخست، آرمان‌شهرها می‌توانند منبع انگیزه برای تغییر اجتماعی باشند. دوم، با توجه به اینکه دیدگاه‌های آرمان‌شهری محدودیت‌هایی جهان ممکن را به تصور می‌کشند، می‌توانند به عنوان شاخص‌هایی باشند که براساس آن واقعیت جاری مورد ارزیابی و انتقاد قرار می‌گیرد. بنابراین، مردم می‌توانند با کاستن از مفهوم آرمان‌شهر دلخواه خود، کاستن از نقاط ضعف جامعه فعلی خود و بدون فرار از واقعیت فعلی، آرمان‌شهر خود را نیز مشاهده کنند. این استدلال به معنی فعال کردن عملکرد جبرانی است (W. Fernando and et.al, 2018: 3). بنابراین، آرمان‌شهر جایگاهی فراتر از دسترس، اما قابل رویت، یک افق و امید (Hatuka and D'Hooghe, 2007: 20-21) و یک عنصر اجتناب‌ناپذیر و ضروری برای آینده در تاریخ بشر است (Levitas, 2007: 290-291). بر پایه آنچه بیان شد، آرمان‌شهر به‌مثابه چشم‌انداز یک جامعه هماهنگ در فرهنگ تمام تمدن‌های شناخته شده، تأیید می‌شود و اشتیاق به سعادت و رضایت بدون محدودیت است که خواسته‌ها و احساسات مردم را درک می‌کند و آنها را در مدل‌های شگفت‌انگیزی از آینده‌ای نه چندان دور می‌بیند و ممکن است به ابداع اشکال و ایده‌های جدیدی همچون پیدا کردن راه‌های نوین برای مقابله با موقعیت‌های بسیار متضاد شهری، کمک به ساختن شهرها براساس آرمان‌های سیاسی-اجتماعی و ایجاد اشکال جدید قابل قبول مؤثر بر آینده منجر شود. بنابراین، این مفهوم را می‌توان شامل دو بعد هدف و رویکرد دانست که در تخیل و تغییر به ترتیب از انتزاعی بودن به سوی واقعی بودن حرکت می‌نماید (نمودار ۱).



۲- جایگاه آرمان شهر در اندیشه نظریه پردازان حوزه آرمان شهر

پس از بررسی مفهوم آرمان شهر و تبیین جایگاه آن از نظر مفهومی، در این بخش بر سیر تحول مفهومی آن در ادبیات نظری شهرسازی با توجه به دو دیدگاه جهانی و ایرانی - اسلامی تأکید شده است. در رمان‌های کلاسیک، آرمان شهر اروپای سده شانزدهم و هفدهم به طور گسترده به مثابه تخیل نوآورانه نویسندگان، مبین رؤیایی از یک جامعه جایگزین است، که در بردارنده طیف گسترده آثار از جمهوری افلاطون، شهر سنت آگوستین، مانیفست کمونیستی مارکس و انگلس، هرلند شارلوت گیلمن^۱ اتویپای مدرن هولوگرام ولز^۲ و *اطلس شورید* آین رند^۳ هستند و پیشنهادات گوناگونی از تحولات اجتماعی در نقاط مختلف در تاریخ غرب، ارائه می دهند (L. Debele, 2016: 22-23). برخی از آنان سعی کرده اند با توصیف ویژگی های انسانی و روابط اجتماعی - فرهنگی، آرمان شهر را توصیف نمایند و برخی نیز به کمک شرح جنبه های مادی و کالبدی در این مسیر کوشیده اند. در طراحی و برنامه ریزی شهری^۴، آرمان شهر نیز خارج از بحث های آکادمیک نیست و به مثابه یک «جایگزین» متمایز شده است زیرا زنده ماندن فرهنگ سیاسی - اجتماعی بدون یک چشم انداز «جایگزین» و یا آرمانگرا دشوار است. دیوید هاروی بر این

1 Charlotte Gilman's Herland
2 H.G. Wells's Modern Utopia
3 Ayn Rand's Atlas Shrugged

۴ مخالفان تفکر آرمانی نظیر رابرت ونتوری، دنیس اسکات براون، جیمز جکوبز، کنت فرامپتون و آلدو روسی استدلال می کنند که آرمان های آرمان شهر مستلزم اعمال اجبار توتاریته و دترمینیسم کالبدی است. برای آنها «اتوپیا» استراتژی های استاتیک را با تعاریف اجتماعی و اقتصادی در فضای فیزیکی سازماندهی می کند. باغ شهر ابنز هوارد و ویل رادیوس، لوکوربوزیه، مثال های قرن بیستم از چنین چشم اندازهای اتویپایی بودند (Hatuka and D'Hooghe, 2007: 20-21).

باور است که بدون چشم‌انداز آرمان‌شهری، مناظری ساخته شده است که بارها و بارها از بین رفته و بازسازی شده است. فقط با مفهوم‌سازی آرمان‌شهر، با تمام محدودیت‌های آن، می‌توان امیدوار بود که یک گفتمان جایگزین ایجاد شود (Hatuka and D' Hooghe, 2007: 20-21). محور اصلی بحث طفوری نیز^۱ از آرمان‌شهر تلاش برای نظم دادن به هرج و مرج زندگی شهری مدرن تعریف می‌گردد. بر پایه این رویکرد، موضوع اصلی آرمان‌شهر ساختار شهرهای مناسب و شخصیت شهروندان است. هنری لوفور، در خلال آرمان‌شهرگرایی از دوراهی «چشم انداز- واقعیت» (Cunningham, 2010: 275) بین «آرمان‌شهرگرا» و «خیالپرداز»^۲ تمایز قائل شده است. وی از یک‌سو، به دنبال کشف بیشتر واقعیت در زندگی روزمره و فضاست (Pinder, 2002:231) و از دیگر سو، در آرمان‌شهر خود، به دنبال کشف و ترسیم سرزمینی است که صرفاً بخشی از «واقعیت آن» تحقق یافته است (pinder, 2013: 32). رورتنی بهترین نوع روایت تاریخی را «جستجوی سناریوی آرمان‌شهرگرایانه در مورد چگونگی برخورد از حال به آینده‌ای بهتر» می‌داند. این بخشی از برتری «ما مدرن‌ها» است که می‌توانیم یک آرمان‌شهر را اینجا روی زمین «تصور کنیم» که نشان‌دهنده «تغییر بزرگی در مکان امید انسان ... از ابدیت تا زمان آینده» است (Levitas, 2008: 46-47). چنین رویکردی در پیشنهادات لئونی سندراکاک نیز، در زمینه برنامه‌ریزی شهری برای آنچه او «آرمان‌شهر در حال گذار»^۳ یا «جهان‌شهر»^۴ نامیده است وجود دارد (Pinder, 2002: 238-239). در مجموع می‌توان بیان نمود، که در تفکر جهانی، آرمان‌شهر به مثابه کاتالیزوری است که در عین اینکه می‌تواند گریزگاهی برای ترس‌ها و ناامیدی‌های امروز باشد، عرصه امید برای آینده‌ی شهری و توسعه اجتماعی شهری را ترسیم نماید.^۵

در تمدن ایرانی- اسلامی، دین اسلام، به سبب رویکردهای توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، صفات و ویژگی‌های مشخصی را برای آرمان‌شهر مطلوب خود بیان نموده است (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱). از همین روست که در طول دوره‌های تاریخی مختلف، اندیشمندان ایرانی- اسلامی با استمداد از علوم دینی و نیز فلسفه سعی کرده‌اند به توصیف آرمان‌شهر مطلوب اسلام و

1 Tafuri

2 Utopist

3 Utopian

4 Utopia in becoming

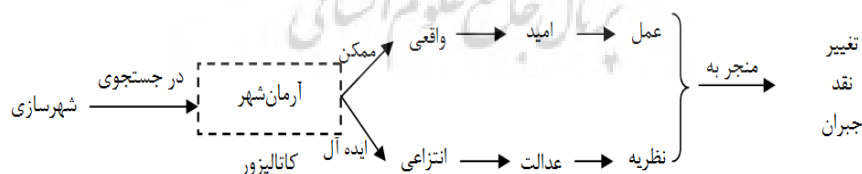
5 Cosmopolis

۶ سوزان فینشتاین و جان فریدمن طرفداران دیدگاه آرمان‌شهر به مثابه کاتالیزور در برنامه‌ریزی هستند.

تفسیر ویژگی‌های آن پردازند. در میان آنان، ابونصر فارابی اولین متفکری است که با الهام از افلاطون، شالوده اندیشه آرمانی را پایه‌ریزی کرد. فارابی هدف شهر آرمانی را رسیدن به سعادت می‌داند. سعادت مورد نظر وی، تنها سعادت این جهانی نیست، بلکه سعادت است که هم زندگانی این جهانی آدمی را به وجه دلخواه تأمین می‌کند و هم رستگاری او را در جهانی دیگر تحقق می‌بخشد (هاشمی، ۱۳۸۲). از این رو، در اندیشه وی، مدینه فاضله به خودی خود غایت نیست؛ بلکه وسیله نیل به سعادت است. از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، مدینه فاضله اجتماع افرادی است که اهدافشان فراهم کردن خیرات و استفاده از آنها و از بین بردن بدی‌هاست. از آنجا که خیرات از خیر مطلق سرچشمه می‌گیرد و خیر مطلق واحد است، بنابراین چنین مدینه‌ای واحد است. افراد این اجتماع به دلیل آنکه همگی سعی در تحصیل خیرها دارند در آرا و افعال مشترک‌اند. این افراد چون افکار و عقایدشان مطابق با حق واحد است، پس همه در این اعتقادات موافق یکدیگرند و هر آنچه دارند، کمال است و در جهت رسیدن به کمالات بیشتر است. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف مدینه فاضله، غایتش کوشش مردم مدینه برای فراهم آوردن نیکی است و مردم در اندیشه‌ها و باورهایشان همانند و هماهنگ‌اند و در صورت هماهنگی در رفتار و باورشان است که جنبه عملی و تحقق شهر آرمانی خواجه، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در هر دو جامعه آرمانی، عدالت مؤلفه‌ای است که توجه فارابی و خواجه نصیرالدین را به خود جلب کرده است. عدالت در اندیشه فارابی، فضیلتی در اخلاق فرد و عمل به فضایل اخلاقی در رابطه با غیر و همچنین به معنای تقسیم مساوی خیرات است که بر مبنای آن، وظیفه بعدی حکومت را صیانت از آنچه میانشان تقسیم شده می‌داند، اما در مدینه فاضله خواجه نصیرالدین، عدالت با ایجاد وحدت موجب حفظ نظام می‌شود و صفتی است که هم افراد اجتماع و هم نهادها به آن متصف‌اند. خواجه نصیرالدین عدالت را در رأس تمام فضایل دانسته و در میان اجناس فضیلت (حکمت، شجاعت، عفت و عدالت) عدالت را محصول اجناس دیگری می‌داند. چنین عدالتی با قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش حاصل می‌شود و تحقق آن به اعتدال است که بین قوای نفسانی فرد و قوای دیگر در سطح جامعه به وجود می‌آید (برخورداری، ۱۳۹۴). از دیگر اندیشمندان این تمدن می‌توان به ملاصدرا اشاره کرد؛ مراد وی از آرمان‌شهر همان شهر خوب یا برتر است که هدف آن رسیدن به خداست و سعادت نهایی بشر در تقرب الهی از وادی عقلانیت و حکمت است. وی بر این نظر است که

برای انتظام یافتن حیات انسان نیاز به تمدن، اجتماع و تعاون بر مبنای قانون است و موجبات آن را عدالت می‌داند که به تعادل رسیدن جامعه منجر می‌شود و بر نقش شهروندان در پیشبرد جامعه آرمانی، مشارکت و همکاری در جهت شکل‌دهی و استمرار آرمان‌شهر در جهت قوانین تأکید نموده است (افضلی و لکزایی، ۱۳۹۲). شهید مطهری همانند اکثر آرمان‌گرایان به مفهوم عدالت توجه می‌کند و مکتب اسلام را حامی عدالت می‌داند. به نظر ایشان هرگاه توده ملّت به حقوق حکومت وفادار باشند و حکومت حقوق مردم را ادا نماید، آن وقت است که نشانه‌های عدالت ظهور می‌کند (علی و وحیدی، ۱۳۸۲). در دهه اخیر نیز صاحب‌نظران متعددی به تبیین ماهیت شهر اسلامی پرداخته‌اند که از جمله آنها میتوان به نظریه فضای حیات طیبه توسط نقی‌زاده (۱۳۹۵) اشاره کرد. وی بر این باور است که شهر اسلامی بر مبنای اصول جهان‌بینی توحیدی و عدالت پایه‌گذاری شده و دارای سه رکن، فضای فکری یا ایمان اهل شهر، فضای عمل و رفتار اسلامی (مقررات، قوانین و اصول اخلاقی اسلام) و فضای عینی یا کالبد شهر است. کالبد شهر را انسان (فضای فکری) و فضای عمل و رفتار اسلامی، که تبیین‌کننده ارتباط انسان با جهان خارج است، شکل می‌دهد و تحقق آن در عالم خارج، بسته به شرایط زمان و مکان، شرایط فرهنگی و تاریخی و امکانات در دسترس تجلیات متفاوتی خواهد داشت.

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان چارچوب آرمان‌شهر را در ادبیات نظری، به ترتیب براساس دو مؤلفه امید و عدالت تبیین کرد که منجر به پیوند نظریه و عمل شهر امروز در حرکت به سوی جامعه بهتر می‌شود، مؤلفه امید در جهان غرب، در اندیشه ایرانی - اسلامی با اتکا بر توحید، به مثابه پیش شرطی برای رسیدن به عدالت در جامعه جهت رسیدن به سعادت و کمال محسوب می‌گردد (نمودار ۲).



نمودار شماره ۲ جایگاه آرمان‌شهر در شهرسازی

یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌ها سعی شده است، ضمن بررسی محتوایی ابعاد آرمان شهر^۱ در آثار نظامی گنجوی - منظومه دوگانه *اسکندرنامه* (شرف‌نامه و اقبال‌نامه) و خسرو و شیرین - بر مبنای جامعه‌های آرمانی توصیف شده این اندیشمند به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. با توجه به پیچیدگی‌های ویژگی‌های آرمان شهر ایرانی - اسلامی، به منظور درک ممکن از آرمان شهر در دیدگاه نظامی گنجوی، در این مطالعه یافته‌های پژوهش در ابعاد شش‌گانه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی طبقه‌بندی شده است.

استخراج مؤلفه‌های آرمان شهر در منظر نظامی گنجوی

بُعد کالبدی آرمان شهر

باید توجه نمود که چهره شهر آرمانی نظامی گنجوی به دو صورت، به‌طور عام در هنر و به‌طور خاص در شهر، خود را به منصفه ظهور رسانده است. هنر از دیدگاه وی جایگاهی رفیع و والا دارد و نظامی گنجوی خواستار جامعه‌ای است که هنر در آن، چنان پرورش یافته و رشد کند که هنرمند را به عالی‌ترین درجه کمال برساند. از نظر وی رسیدن به کمال و تمامیت هنر باعث رشد جامعه خواهد شد. از جمله هنرهایی که در اشعارش، و در *اسکندرنامه* بسیار به اهمیت آن اشاره نموده، نقاشی است. نقاشی بر فضاهای مختلفی از جمله دیوار، نگارخانه‌ها، پارچه و سنگ کشیده شده است (خرمی و خانی، ۱۳۹۶: ۶۳). از مشخصه‌های این هنر رنگ‌های به‌کار رفته در آن است. بنابراین می‌توان به این مسئله پی برد که نظامی گنجوی می‌خواهد با نشان دادن رنگ‌ها، زیبایی حیات و حقیقت زندگی را برای خواننده آشکار سازد و آن را با دنیایی زیباتر پیوند دهد.

تم گر چه هست از مقیمان شهر
ز هندوستان تا بیابان روم
دلیم نیست غافل ز شاهان دهر
ز ویران زمین تا به آباد بوم
فرستاده‌ام سوی هر کشوری
فراست شناسی و صورتگری

۱ در اقبال‌نامه، نظامی گنجوی پیش از طرح آرمان شهر خود (با عنوان‌هایی چون نیکان، اوتاد و شادان) منصوریان، سرخگویه، ۱۳۸۸: ۱۵۵، خوبان و زیبایی (فلاحی، ۱۳۷۳: ۲۲) به مدینه جاهله یا شهر بدان اشاره می‌کند که برگرفته از داستان قوم یاجوج و ماجوج اشاره شده در قرآن مجید می‌باشد (پناهی، ۱۳۲).

۲ پس این گریوه در این سنگلاخ
یکی دشت بینی چو دریا فراخ

بدان تا ز شاهان اقلیم گیر
کند صورت هر کسی بر حریر
شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۸۸

ز نقاشی به مانی مژده داده
به رسامی در اقلیدس گشاده
خسرو و شیرین، ۱۳۹۴: ۸۳

همچنین وی بر نقش روی طاق‌ها، دیوارها و سنگ‌ها اشاره کرده است و اهمیت تأثیر آن را بر زیبایی شهرها نمایانده است.

ز خاموشی در آن زرینه پرگار
شده نقش غلامان نقش دیوار
خسرو و شیرین، ۱۳۹۴: ۲۴۱

نخلستانی بدان زمین بود
کارایش نقشبند چین بود
لیلی و مجنون، ۱۳۱۳: ۹۲

همچنین، از آنجاکه شهر ایرانی از روزگاران دور تصویری بوده است، از مثالی آسمانی که از حقیقت و ذهنیتی در ورای چهره‌ظاهری آن رخ پنهان نموده است. این شهر بدان سبب ترسیم می‌شود که یادآور کالبدی زیبا، کلیتی آراسته و حامل پیامی معنوی از سرزمین موعود باشد تا رابطی بین وجود و موجود و مکشوف و مستور شود. شهر عالمی می‌گردد که سایه‌ای از عالمی دیگر دارد (حیبی، ۱۳۸۵: ه). از این رو، در آرمان‌شهر نظامی گنجوی این بُعد در قالب مفهوم زیبایی‌شناختی شهر با مرکزیت آراستگی مورد توجه قرار گرفته است. فرم‌ها و فضاها شهر نشانگر نظم حاکم و ایده‌آل‌های آن جامعه می‌باشند.

پدیدار شد شهری آراسته
چو فردوسی از نعمت و خواسته
دکان‌ها بستی یافت آراسته
درو قفل از جمله برخاسته

کلیات خمسه، ۱۳۶۶: ۱۳۰۱

که دارد دکانی در این چار سو
که رخنه ندارد ز بسیار سو
شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۹

فضاها و ساختمان‌های شهری نه تنها، پاسخگوی نیازهای عملکردی جامعه بلکه شیوه معنی‌دهی به ساکنان می‌باشند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۳). از فضاها شهری اصلی آرمان‌شهر این شاعر می‌توان به بازار، کاخ‌ها و گذرها اشاره نمود.

فرود آوریدندش از ره به کاخ به کاخی چو مینوی مینا فراخ
اقبال نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴

سرائی ملوکانه دارد بلند بساطی کشیده در او ارجمند
شرف نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۹

ز رشک نرگس مستش خروشان به بازار ارم ریحان فروشان
خسرو و شیرین، ۱۳۹۴: ۸۳

علاوه بر این، وی از عناصر با اهمیت دیگر شهر را محل‌های پرستش و عبادتگاه‌ها در شهر می‌داند که محل عبادت شاه آرمانی هستند.

زن کاردان با همه کاخ و گنج ز طاعت نهد بر تن خویش رنج
ز پرهیزگاری که دارد سرشت نخسبد در آن خانه چون بهشت
دگر خانه دارد ز سنگ رخام شب آنجا رود ماه تنها خرام
در آن خانه آن شمع گیتی فروز خدا را پرستش کند تا بروز
نه شب فارغست از پرستشگری نه روز از تماشا و جان پروری
شرف نامه، ۱۳۱۶: ۲۸۰

از این رو، نظامی گنجوی، دروازه را نه به عنوان کالبد و ورودی شهر، بلکه آستانه‌ای هویت بخش و مشخص کننده برای آرمان شهر خود برمی‌شمرد.

چو آمد به دروازه شهر تنگ ندیدش دری ز آهن و چوب و سنگ
کلیات خمس، ۱۳۶۶: ۱۳۰۱

همچنین وی بر موقعیت و مکان‌یابی بناهای با اهمیت در آرمان شهر خود تأکید نموده است. بناهای شاخص از جمله بناهای مذهبی عموماً در بخش‌های پلند مرتبه شهر واقع شده‌اند که با معماری ارزشمند و شکوه نماد شهر و عنصر نشانه‌ای محسوب می‌شدند و همان‌طور که پناهی (۱۳۷۲) بیان نموده است بیانگر این است که مکان این شهر محل زندگی مردمانی پارسا و با تقوی است. بنابراین ضمن تأکید بر جنبه کالبدی، بر اهمیت ارزش معنوی شهر نیز، اشاره نموده است.

پدید آمد آرامگاهی زدور چنان کز شب تیزه تابنده هور
بر افراخته طاقی از تیغ کوه که از دیدنش در دل آمد شکوه
به بالای آن طاق پیروزه رنگ کشیده کمر کوهی از خاره سنگ

گروهی بر آن کوه دین پروران
مسلمان و فارغ ز پیغمبران
به الهام یزدان ز روی قیاس
در احوال خود گشته یزدان شناس

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

اما، همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، آرمان‌شهر از دیدگاه وی نه به معنی هیچستان، بلکه مکان ناشناس و دست‌نیافتنی (ناکجا‌آباد) با نگاهی آینده‌نگر در برابر شهر امروزی، در نقطه‌ای دوردست که بشر را بدان راهی نباشد، است (اصیل، ۱۳۷۱: ۵۳) که به‌مثابه ظرف وقوع رویدادها پی‌افکنده شده است. چنان‌که شهر ارمن کوهستانی بوده و بعد از طی بیابان‌ها کسی می‌توانسته به آن رسد:

برنده ره بیابان در بیابان
به کوهستان ارمن شد شتابان

خسرو و شیرین، ۱۳۹۴: ۹۲

بسی گشتم درین خرگاه شش طاق
شگفتی‌ها بسی دیدم در آفاق

همان: ۸۳

از آن سوی کهستان منزلی چند
که باشد فرضه دریای دریند

همان: ۸۳

بُعد زیست محیطی آرمان‌شهر

طبیعت به عنوان آیتی از آیات خداوند، یکی از بهترین یادآورها با خالق هستی و وصال انسان به اصل خویش است. طبیعت یکی از مهم‌ترین مصادیق تذکردهنده انسان در کالبد آرمان‌شهر می‌باشد که جایگزینی ندارد و آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از بهترین وجوه آفریده خدا می‌باشد که در پاسداشت و نگهداری آن باید کوشا بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۴). نظامی گنجوی اشارتی نمادین به منابع طبیعی محیط زیست دارد که در مصرف آن باید جانب اعتدال را رعایت نمود. بدیهی است، که این جنبه ظاهری و عینی مطلب است. این بینش که همه آنچه در طبیعت وجود دارد از آن ما، که امروز زندگی می‌کنیم، نیست، وابستگی گذشته به حال و حال به آینده را در منطقی‌ترین شکل خود تجلی می‌نماید (پناهی، ۱۳۷۲: ۱۴۰-۱۴۲).

به ما از آنچه بر جای خود می‌رسد
یکی دانه را هفتصد می‌رسد

خوریم آن‌قدر مایه از گرم و سرد
که چندان دیگر توانیم خورد

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

شاعر حکیم، از بُعد توسعه پایدار با دوراندیشی خاص خویش، به سلامت محیط زیست و حفاظت از آن به عنوان مسئولیت‌های شهروندی در آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی به تصویر کشیده خود تأکید نموده است (پناهی، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

گراینده بومش به آسودگی فرو شسته خاکش ز آلودگی

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۶

همچنین، وی بر عناصر طبیعی از جمله باغ‌های پردرخت و انبوه و فراوانی آب در آرمان‌شهر خود اشاره دارد که بیانگر بهشت مینوی است و شاعر به دنبال آن در جهان‌شهر آرمانی خود می‌باشد و چشم‌اندازی دلنشین می‌آفریند (پناهی، ۱۳۷۲: ۱۳۳). بنابراین آب و باغ مؤلفه‌های اصلی اندیشه آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی و ایرانشهری محسوب می‌گردند.

چو از مرغ و ماهی تهی کرد جای به نوشابه بردع آورد رای
ز تعظیم آن زن خبردار بود که با ملک و بامال بسیار بود
جهان سبز دید از بسی کشت و رود به سرسبزی آمد در آنجا فرود

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۵

سوادش ز بس سبزه و مشگ پید چو باغ ارم خاصه باغ سپید
در آن خرم آباد مینو سرشت فرو ماند حیران ز بس آب و کشت

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۶

بنابراین، اندیشه آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی نظامی گنجوی ضمن اینکه اشاره‌ای نمادین به منابع طبیعی محیط زیست و رعایت جانب اعتدال در مصرف داشته است، دربردارنده دور اندیشی اهمیت توسعه پایدار در حدود هشت قرن پیش از مطرح شدن آن در جوامع غرب است و نگاهی آینده نگارانه به طبیعت به مثابه منبعی بارز از حیات انسانی دارد.

بُعد سیاسی آرمان‌شهر

تازمانی که ایرانشهر یک واحد سیاسی مستقل تلقی می‌شد و مصداق بیرونی و عینی داشت، اندیشه سیاسی نزد ایرانیان در رابطه با محور اندیشه شهریاری آرمانی بود و با ورود ایران در نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه خلافت در دوره جهان‌شمولی اسلامی، نه تنها فراموش نگردید بلکه ادامه یافت (رجایی، ۱۳۷۱: ۱۸۰). اندیشه سیاسی ایرانشهری وجه دیگری از نظام‌های فکری در

استمرار فرهنگ ایرانی است. طباطبایی بر این باور است که فلسفه سیاسی در ایران با فارابی آغاز شده و به گونه‌های مختلف در متون ظهور یافته است (کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۱۷۶). دفاع خواجه نظام الملک در سیاست‌نامه و امام محمد غزال در نصیحه الملوک و عنصرالمعالی در قابوس‌نامه از مفهوم بنیادین اندیشه سیاسی، یعنی عدل، بیانگر آن است که تا پایان قرن ششم، این اندیشه در کانون توجه متفکران و کارگزاران ایرانی قرار داشته است (وافی ثانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱). علاقه نظامی گنجوی به سیاست در مفهوم نظری آن، در روزگاری که نیمی از جهان را جنگ‌های صلیبی ویران کرده بود و نیمه دیگرش به دست کسانی آسیب دیده بود که خود را متعهد به مقابله با این جنگ‌ها می‌دانستند (وافی ثانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱)، با تأمل در ناهنجاری‌ها و بی‌رسمی‌های پادشاهان زنده عصر و در احوال فرمانروایان قصه‌هایش اندک اندک شکل می‌گرفت (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۸۳).

بنابراین وی از همان آغاز جستجوی آرمان‌شهر خویش، اندیشمندی ناظر به سیاست به نظر می‌رسد. برای وی، سیاست به دلیل جستجویی که در تأمین سعادت انسانی و معنی واقعی دارد، ظاهراً عالی‌ترین بار ثمر درخت حکمت محسوب می‌گردد که در جستجوی تأمین عدالت انسانی است و سعی در تحقق سعادت فردی، جمعی و انسانی مبتنی بر مساوات و اخوت دارد (وافی ثانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱). از همین رو، عدالت پروری زمینه‌ساز اندیشه سیاسی نظامی گنجوی در جوامع آرمانی - آرمان‌شهر زنان و آرمان‌شهر نیکان - می‌گردد (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۹۹). زرین‌کوب بر این باور است که آرمان‌شهر وی جز با تعاون و تفاهم آزادانه دقیق اما خارج از اکراه و الزام عام خلق، تحقق نمی‌یابد و این امر از طریق تربیت نفوس و نه وفق مصلحت ارباب قدرت و از راه ایجاد دگرگونی سازنده و نه دگرگونی انفعالی و عاری از تأمل بخردانه ممکن است که در عرف آن را «سیاست» می‌خوانند (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۸۴). از جمله مؤلفه‌های اندیشه سیاسی نظامی گنجوی در اسکندرنامه، اصالت و استقلال متعلق به امر سیاسی، عدم توجه به واقعیت و توجه به حقیقت، نقادی زمانه، اعتقاد به نظریه شاهی آرمانی دارای فره، توجه به عدالت و مصلحت عمومی، جایگاه ممتاز وزارت و مشاوره، تأکید بر تخصص، کاردانی و کارایی و آمیختگی سیاست با همه امور می‌باشد (ممتاز، ۱۳۸۴: ۱۴). بنابراین می‌توان سیاست را در اندیشه وی ترجمان مدیریت و حکومت‌داری شهری حول دو مفهوم «عدالت» به معنی سلوک و رفتار شخص در موقع دولتمردی و «حکمت» به معنی رهیافتی در اخذ تدابیر و اداره امور تعریف نمود (رجایی، ۱۳۷۱: ۱۸۵).

عدل و عدالت: مهم‌ترین ویژگی شهریار آرمانی در ذهن نظامی گنجوی عدل است و تار و پود آرمان شهر وی از عدالت بافته شده است. عدالت و انصاف در اندیشه سیاسی او جایگاه مهمی دارد. اگر عدالت تمام جامعه را فرا گیرد، آبادانی در تمام ارکان راه خواهد یافت و با اجرای عدالت تبعیض از بین رفته و هرکس به حق خویش می‌رسد (متینی، ۱۳۷۳: ۸۳؛ ممتاز، ۱۳۸۴: ۲۶؛ کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۱).

سکندر به انصاف نام آورست و گرنی ز ما هریک اسکندرست

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۳۸۶

اگر داد بودی و داور بسی	ده آباد بودی و در ده کسی
به انصاف و داد آرد این خاک بر	تباهی پذیرد ز بیدادگر
چو از دخل او گردد انصاف کم	بسوزد ز گرمی بپوسد ز نم

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۰۷-۲۱۳

به اصل از جهان پادشاهی تراست	که فرمان و فر الهی تراست
همه چیز را اصل باید نخست	که باشد خلل در بناهای سست
زر از نقره کردن عقیق از بلور	رسانیدن میوه باشد به زور
کند هر کسی سیب را خانه رس	ولی خوش نباشد به دندان کس
تو را ایزد از بهر عدل آفرید	ستم ناید از شاه عادل پدید
ستمکارگان را مکن یاوری	که پرسند روزیت ازین داوری

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۳۷۵-۳۸۶

این اندیشمند برای اجرای عدالت در شهر آرمانی خود معترف است که ساکنان آن باید به وجود یزدان استوار بوده و در همه کارها بر او توکل کنند، به علاوه باید دین پرور باشند و آن را مترادف با راستی و پرهیز از کژی و دروغ‌گویی و امثال آن بدانند (متینی، ۱۳۷۳: ۸۳؛ فلاحی، ۱۳۷۳: ۲۳).

بهر دولتی کاوری در شمار	سجودی بکن پیش پروردگار
به پیروزی خود قوی دل مباش	ز ترس خدا هیچ غافل مباش
خدا ترس را کارساز است بخت	بود ناخدا ترس را کار سخت

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۹

بنابراین، ساکنان آرمان‌شهر وی «راستی» را از مؤلفه‌های اصلی عدالت حاکم بر جامعه خود

می‌دانند:

چنین رسم پاکیزه و راه راست	ره ما و رسم نیاکان ماست
برین مشک خاشاک نتوان فشانند	که بوی خوش مشک پنهان نماند
کسی راست خرما ز نخل بلند	که بر نخل خرما رساند کمند

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۱۹۲

حکمت: حکمت از دیگر مؤلفه‌هایی است که آرمان‌شهر نظامی گنجوی و مبانی اندیشه سیاسی وی را می‌سازد. از این رو، وی، همچون فارابی، سیاست را نه بر شرع و دین که بر عقل متکی می‌داند. بنابراین در *اسکندرنامه* سه خردنامه را می‌گنجاند و سایه حکیمانی چون افلاطون، سقراط و ارسطو را بر سراسر منظومه خویش می‌افکند. اسکندر، پادشاه آرمانی وی، هم خود خردمند است و هم با خردمندان به مشورت می‌نشیند. حتی وقتی سقراط از آمدن به نزد اسکندر خودداری می‌کند، اسکندر خود به نزد حکیم می‌رود و از او حکمت می‌آموزد. وی با تأکید بر دانش‌اندوزی، تغییراتی عظیم در فرهنگ جامعه خود ایجاد می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۴: ۳۶). به‌طور کلی، او در آرزوی اجتماعی بوده است که توسط خردمندان اداره می‌شود (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۹) و در آن حکیمان جایگاه والایی می‌یابند و در تمامی بخش‌های آن، به عنوان گروه فعال و اثربخش ظاهر می‌شوند (ممتاز، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۸-کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۸۷). از این رو، تأمین عدالت در آرمان‌شهر خود را در گرو آن می‌داند که خردمندان آن سرزمین گردهم آیند و برای اداره شهر خود قواعدی تنظیم کنند و خود و مردم شهر بر اجرای قوانین آن نظارت نمایند و از طبقه‌بندی جامعه به دو گروه ممانعت به عمل آورند (متینی، ۱۳۷۳: ۸۳).

اشارت چنان شد ز تخت بلند	که داناست نزدیک ما ارجمند
نجوید کسی بر کسی برتری	مگر کز طریق هنر پروری
چو دولت به دانش روان کرد مهد	مهان سوی دانش نمودند جهد
همه رخ به دانش برافروختند	ز فرزندگان دانش آموختند
ز فرهنگ آن شاه دانش پسند	شد آواز ینان به دانش بلند

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۶

که شاهها به دانش دل آباددار ز بی دانشان دور شو یاد دار
دری را که بندش بود ناپدید ز دانا توان بازجستن کلید
زدن با خداوند فرهنگ رأی به فرهنگ باشد تو را رهنمای

همان: ۱۸۵-۱۸۹

از دیدگاه نظامی گنجوی، پادشاه آرمانی دارای فره ایزدی کسی است که در برابر گردش زمانه تدبیر به کار بندد (ممتاز، ۱۳۸۴: ۲۳). همچنین به نظر وی، اسکندر از آن روی بهره‌مند از فره ایزدی است که خصلت‌های پسندیده داشت و آیین پادشاهان کی همچون راستی و داد را پاس می‌داشت (ممتاز، ۱۳۸۴: ۲۴؛ کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۹۰). به اعتقاد وی تصرف و تدبیر در همه امور یکی از شروط اساسی عدالت است (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۹۰).

سریر بزرگان به خردان سپرد ببین تا سرانجام چون گشت خرد
نه بس داوری باشد آن سست رای که سختی رساند به خلق خدای
گرانمایگان را درآرد شکست فرومایگان را کند چیره‌دست

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۳۶

نکو رای چون رای را بد کند خرابی در آبادی خود کند
چنان به که هر فصلی از فصل سال به خاصیت خود نماید خصال
هر آنچه او بگردد ز تدبیر کار بگردد بر او گردش روزگار

همان: ۳۸۶

حکمروایی: در آرمان‌شهر نظامی گنجوی، برخلاف طرح آرمانی افلاطون که اداره شهر را در شأن فلاسفه دانسته بود و عنوان فیلسوف-شاه را برای آن برشمرده بود، از پادشاه، امیر و خلیفه، فیلسوف و... خبری نیست و مردم آن شهر بدان حدی از رشد رسیده‌اند که نیازمند حکمران نمی‌باشند (متینی، ۱۳۷۳: ۸۲). از نظر او، تعدد مراجع قدرت ظاهراً یک آفت عمده در کلیه نظام‌ها محسوب می‌شود و وقتی به‌طور ضمنی به این معنی اشارت دارد، بدون شک به حاصل این امر در روند احوال گنجه در نظر دارد که گویی این تعدد مراجع به تعدد مراکز باج‌ستانی و تنوع تصمیمات منجر می‌شود. حتی وحدت و تمرکز قدرت را که نظام فرمانروایی فردی بر آن استوار است، در صورتی به اصلاح حال خلق کمک می‌نماید که بر پایه حکمت و عدالت رفتار شود. وی اصول آن را مهارت و مسئولیت در امور قدرت یا (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۸۸) تخصص و کارایی

بدین معنی که حاکم باید بدانند هر کاری را به چه کسی بسپارد، برمی‌شمرد و عدم تشخیص آن می‌تواند علاوه بر از بین رفتن نظم و انضباط در جامعه و ایجاد هرج و مرج عدالت را نیز از بین برد (ممتاز، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۰؛ کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۱۹۵). از این رو، در چشم‌انداز آرمانی نظامی گنجوی، یکی از نشانه‌های آشکار عدالت آن است که باید قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها را به دقت لحاظ کرد (منصوریان سرخگویه، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

به مور آن دهد کو بود مورخوار	دهد پیل را طعمه پیل‌وار
نه چون خام کاری که مستی کند	به خامه زدن خام دستی کند
رهاورد موری فرستد به پیل	دهد پشه را راتب جبرئیل
همه کار شاهان شوریده آب	از اندازه نشناختن شد خراب

اقبال‌نامه: ۱۳۹۳: ۱۲۸

در عین حال، لزوم مشاوره و استفاده از تدبیر کاردانان و آگاهان امور کشورداری را ضروری دانسته و به اسکندر اشاره می‌کند که به مشورت با فردی آگاه و پیری خردمند می‌پردازد یا گاهی اسکندر خود مجلس مشورت می‌آراست (ممتاز، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸؛ کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۳).

سکندر به آیین شاهان پیش	بر آراست بزمی در ایوان خویش
ارسطوی بیدار دل را بخواند	وزین در بسی قصه با او براند
وزیر خردمند پیروز رای	به پیروزی شاه شد رهنمای

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۹۶

او در این آرمان‌شهر، مجموع مؤلفه‌های حکمت و عدل را برای شهریار آرمانی اینگونه بیان می‌کند:

چو دیدند سیمای اسکندری	پذیرا شدندش به پیغمبری
به تعلیم او خاطر آراستند	وزو دانش و داد درخواستند
سکندر برایشان در دین گشاد	بجز دین و دانش بسی چیز داد

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

بنابراین ویژگی جامعه آرمانی که حکمران آن دارای حکمت و عدل باشد اینگونه توصیف می‌کند:

چنان دان حقیقت که ما این گروه	که هستیم درین دشت و کوه
گروهی ضعیفان دین پروریم	سرموئی از راستی نگذریم

نداریم بر پرده کج بسیج	بجز راست بازی ندانیم هیچ
در کجروی برجهان بسته‌ایم	ز دنیا بدین راستی رسته‌ایم
پذیریم هرچ آن خدائی بود	خصوصت خدای آزمائی بود
نکوشیم با کرده کردگار	پرستنده را با خصوصت چکار
چو در حق خود دیدشان حق شناس	درود و درم دادشان بی‌قیاس

(همان)

بنابراین این بُعد از آرمان شهر وی، با به‌کارگیری مؤلفه‌های مطرح شده و همخوانی آنها با شرایط امروز شهرها می‌تواند در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به‌کار آید.

بُعد اقتصادی آرمان شهر

نظامی گنجوی در تمامی آثار خود، به‌ویژه در *اسکندرنامه*، به بُعد اقتصادی آرمان شهر اشاره‌ای ننموده است، اما می‌توان با ترجمان مفاهیم موجود در آرای وی، نظام اقتصادی آرمانی وی را اینگونه توصیف نمود. در این جامعه پول و زر ارزشی ندارد و برابری اقتصادی حاکم می‌باشد (پناهی، ۱۳۷۲: ۱۴۲)، هرکس به قدر نیازی که دارد از ثروت جامعه بهره‌مند می‌شود. این بهره‌مندی در حد نیاز، جنبه بسیار دوراندیشانه‌ای است که نظامی گنجوی به آن اشاره نموده است و عدم توجه به آن موجب نابرابری، ایجاد طبقات اجتماعی و فقر می‌شود (خاتمی و هادیان، ۱۳۹۴: ۶۱).

به وقت نیاز آهو و گرم و گور	ز درها در آبد ما را به زور
از آن جمله چون در شکار آوریم	به مقدار حاجت بکار آوریم
دگرها که باشیم از آن بی‌نیاز	نداریمشان از در و دشت باز
خوریم آن قدر مایه از گرم و سرد	که چندان دیگر توانیم خورد

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

از این رو، جامعه آرمانی پیشنهادی وی، جامعه‌ای بی‌طبقه است که همه در اموال با هم برابرند و خود را با دیگران برابر می‌دانند (خاتمی و هادیان، ۱۳۹۴: ۶۰). جامعه‌ای بی‌طبقه (نه فرادست و نه فرودست) که، به‌رغم جمهوری افلاطون و مدینه فاضله فارابی، نظام سلسله مراتب اجتماعی بر آن حاکم نمی‌باشد.

فربسب زر و سبم را در شمار	نباربم و نابد کسب را به کار
ناربم خوردب بک از بک دربغ	نخواهبم جو سنگب از کس به تبغ
ناربم ز ما کس زکس مال ببش	همه راست قسمبم در مال خوبش
دکانبها بسب بافت آراسته	درو قفل از جمله برخاسته

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

ابن تفکر اقتصادی باعث می‌گردد که شاه آرمانب (شبربب) در اولین گام مالیات و عوارض را منسوخ نماید (زربن کوب، ۱۳۷۲: ۲۹۴).

زهر دروازه‌ای برداشت باجب	نجست از هبب دهقانبی خراجب
---------------------------	---------------------------

خسرو و شبربب، ۱۳۹۴: ۲۳۷

باوجودابن، اسکندر رفاه اقتصادی شهر را نبز مورد توجه قرار داده است و آن را متأثر از حکمروابب خوب شهری از بک‌سو و پرهبب‌گاربی حاکم از دبگر سو می‌داند.

زن پاک ببونب فرمان روا	برابشان فرو بسته دارد هوا
صنمخانه‌ها دارد از قصر و کاخ	بر آن لعبتان کرده درها فراخ
زن کاردان با همه کاخ و گنج	ز طاعت نهب بر تن خوبش ربج

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۹

بُعد اجتماعی آرمان‌شهر

نظامب گنجوبی به عنوان متفکرب مسلمان و آگاه، برای ساختن جامعه آرمانب، به اخلاق فردب و تزکیه نفس، تعامل و مناسبات رفتارب و صفات معنوب و روحانبی انسان توجه نشان داده است تا بتواند در حیات اجتماعی با دبگران به نبکی، عدالت و حکمت رفتار کند (محرمی و سرورب، ۱۳۹۲: ۳۰). بنابراین مؤلفه‌های مهم حیات اجتماعی در آرمان‌شهر خود را ابتدا قانون‌گراببب، توجه به زنان و سپس امنیت را برمی‌شمرد.

نظامب گنجوبی به دنبال آن است که اصالت و گوهر حقیقبی انسانی را به او بازشناساند (محرمی و سرورب، ۱۳۹۲: ۳۵)، بنابراین، وبی به زنان، آرمان‌ها و حقوقشان در آرمان‌شهر خود به عنوان بکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی اشاره می‌کند (طغبانبی و معبببب فرد، ۱۳۸۷: ۱۱۳). هویتب که نظامب برای زن به عنوان بک انسان در نظر گرفته، هویتب درخور توجه است تا آن‌جاکه به رهبرب

نوشابه (هروم یا بردع)، میهن بانو و شیرین (ارمن) آرمان شهر زنان را بنیان می‌نهند (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۷؛ حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) و آرمان شهرهای زنان را سرزمینی آباد و فارغ از هرگونه آلودگی زیست محیطی، تک جنسیتی، خردمند و با دانش، با تدبیر و عادل توصیف می‌کند. بنابراین، در بخش به پادشاهی نشستن شیرین، زنان را شایسته اداره مملکت و تکیه دادن بر بالاترین جایگاه حکومت می‌داند. نگرش آرمانی وی به زنان در واقع صرف نظر از تلقی عرفی و سنتی ایشان، موجب بازآفرینی آرمانی شأن زنان شده و آنها را مثل اعلای خلقت ساخته است؛ طوری که زن در این نگرش، سیاست‌مدار و حکیم هست و حتی برخی از صفات مردان را هم داراست (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸). نظامی گنجوی اساس حکومت را اندیشه و عدل می‌داند. بنابراین حاکم چه مرد باشد و چه زن، باید از فضایل و اخلاق برخوردار باشد (فاضلی، ۱۳۸۱: ۲۸۷).

زنی حاکمه بود نوشابه نام همه ساله با عشرت و نوش جام
قوی رای و روشن دل و نغزگوی فرشته منش بلکه فرزانه خوی
به نوشابه گفت ای شه بانوان به از شیر مردان به توش و توان
به دل گفت کاین کاردان گر زنت به فرهنگ مردی دلش روشنست

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۹

یکی دیگر از ویژگی‌های مطرح شده در آرمان شهر وی برقراری امنیت و آسایش همگانی و قانونگرایی است. قانونمندی و پایبندی به حقوق اجتماعی، از ارکان زیربنایی جامعه آرمانی وی است، به همین دلیل در چنین جامعه‌ای همه مردم به هم اعتماد دارند، راستی از اصول اساسی آن است (قبادی، صادقی و نیکویخت، ۱۳۹۱: ۷۱). در زمانی که شهرها در پناه دیوارهای هفت تو و برج و بارو و خندق و دژ کهندژ هستند، در آرمان شهر ایرانی - اسلامی مورد توصیف وی، قفل و بند و در و دروازه‌ای به چشم نمی‌خورد (فلاحی، ۱۳۷۳: ۲۳)؛ دکان‌ها قفل ندارند، مردمان آزادانه کار می‌کنند.

چو آمد به دروازه شهر تنگ ندیدش دری ز آهن و چوب و سنگ
در آن شهر شد باتنی چند پیر همه غایت اندیش و عبرت پذیر
دکانها بسی یافت آراسته درو قفل از جمله برخاسته

بیرسیدشان کاین چنین بی‌هراس
چرائید و خود را ندارید پاس
بدین ایمنی چون زبید از گزند
که بر در ندارد کسی قفل و بند
همان باغبان نیست در باغ کس
رمه نیز چوپان ندارد ز پس
شبانی نه و صد هزاران گله
گله کرده بر کوه و صحرا یله
چگونست و این ناحفاظی ز چیست
حفاظ شما را تولا به کیست

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

وی دلیل آن را حاکمیت دین بر جامعه می‌داند که در صورت تخلف و ظلم در نبود نظام سیاسی، اقتصادی و قضایی طبق قانون عمومی که وضع شده است برخورد می‌شود (خاتمی و هادیان، ۱۳۹۴: ۶۰). برای دستیابی به این جامعه، دو مؤلفه خرد (دور اندیشی) و ایمان را عنوان می‌دارد.

بزرگان آن داد پرور دیار
دعا تازه کردند بر شهریار
که آن کس که بر فرقت افسر نهاد
بقای تو بر قدر افسر دهاد
خدا باد در کارها یاورت
هنر سکه نام نام آورت
چو پرسیدی از حال ما نیک و بد
بگوئیم شه را همه حال خود
ز دزدان نداریم هرگز هراس
نه در شهر شحنه نه در کوی پاس
ز دیگر کسان ما ندزدیم چیز
نگهبان نه با گاو و با گوسفند
نداریم در خانها قفل و بند
خدا کرد خردان ما را بزرگ
ستوران ما فارغ از شیر و گرگ
اگر گرگ بر میش ما دم زند
هلاکش در آن حال بر هم زند
گر از کشت ما کس برد خوشه‌ای
رسد بر دلش تیری از گوشه‌ای

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

بنابراین اصل حاکم بر مناسبات اجتماعی در ارتقا جایگاه انسانی متکی بر برابری، فضیلت اخلاقی (امنیت و قانون‌گرایی) و ایمان می‌باشد.

بُعد فرهنگی آرمان شهر

در توصیف آرمان شهر و سنت‌ها، پایه فرهنگی-اجتماعی آرمان شهر جنبه مهمی از چارچوبی است که در آن آرمان شهر تحلیل می‌گردد (Garforth, 2009: 5-8). فرهنگ هر جامعه‌ای به شیوه‌ها یا سازوکارهای مختلفی به نسل‌های آینده انتقال می‌یابد که از مهم‌ترین و عمومی‌ترین آنها می‌توان به زبان، آداب و رسوم اجتماعی و نظام‌های فکری شامل علوم، هنر، دین، اخلاق، فلسفه و عرفان اشاره کرد (ممتاز، ۱۳۸۴: ۱۲؛ کرمی و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۷۶). به‌طور کلی در اندیشه نظامی گنجوی، الگوی انسان کامل یگانه هدفی است که او از همان اولین مقاله *مخزن الاسرار* تا پایان عمر، مقارن با اتمام *اسکندرنامه*، دنبال کرده است (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۴۰). انسان در محور و مرکز قرار دارد و همه پدیدارها به سوی او و همگام با او و در ارتباط مستقیم با او در حرکت است. در واقع او از تمامی وقایع و امکانات بهره برده تا انسان را متوجه بُعد روحانی‌اش ساخته و به کمال واقعی خویش برساند. وی سعی دارد، انسان متعالی و متعادل (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴) از فرهنگی ایرانی-اسلامی را معرفی کند؛ بنابراین اخلاق و اصول منحصر به فرد آن را مورد توجه قرار می‌دهد. این اندیشمند محبت را از مؤلفه‌های یک فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌داند که باعث قوام فضیلت‌ها و سعادت جامعه می‌شود (محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۹؛ ناصری و عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). محبتی که هم برای شهروندان و هم شاه آرمانی از اصول حیاتی آرمان شهر می‌باشد.

قوی رای و روشن دل و سرفراز به هنگام سختی رعیت نواز

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۷۷

چو عاجز بود یار یاری کنیم چو سختی رسد بردباری کنیم

گر از ما کسی را زیانی رسد وزان رخنه ما را نشانی رسد

بر آریمش از کیسه خویش کام بسرمایه خویش کنیمش تمام

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

همچنین «امید» به او امکان می‌دهد که ضمن انصراف از محیط فرهنگی خود با نمونه‌های کمال انسانی آشنا شود و خود را برای جستجوی آنچه می‌تواند کمال مطلوب و الگوی واقعی تغییر و دگرگونی در مدینه جاهله روزگارش باشد آماده کند (وافی ثانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۴). دیگر سرمایه فرهنگی این جوامع آرمانی را شادی می‌داند که در هر سه جامعه آرمانی از آن با عنوان

«شهر شادان» یاد می‌نماید. این جامعه فارغ از اندوه زندگی (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۷۳) و در آن عمرها دراز خواهد بود و جوانان به کهنسالی می‌رسند (فلاحی، ۱۳۷۳: ۳۴).

به غم خواری یکدگر غم خوریم	به شادی همان یار یکدیگریم
زما در جوانی نمیرد کسی	مگر پیر کو عمر دارد بسی
چو میرد کسی دل نداریم تنگ	که درمان آن درد ناید به چنگ

اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

شب و روز با باده و بانگ رود	تماشا کنان زیر چرخ کبود
گذشت از پرستیدن کردگار	بجز خواب و خوردن ندارند کار

شرف‌نامه، ۱۳۱۶: ۲۸۰

همچنین، غایت سیر و سلوک انسان‌های کامل را توحید برمی‌شمرد (حسینی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۹۴). اندیشه‌ای که وجود همه چیز را وابسته به خواست الهی می‌داند. بر پایه آن، نظامی گنجوی، در این شهر پروردگار را حامی مردم می‌داند و مردم گفتار و کردار خود را بر اوامر الهی و راستی استوار می‌سازند و از گناه می‌پرهیزند (اصیل، ۱۳۷۱: ۵۳-۵۴):

خدا کرد خردان ما را بزرگ	ستوران ما فارغ از شیر و گرگ
اگر گرگ بر میش ما دم زند	هلاکش در آن حال بر هم زند
گر از کشت ما کس بر خوشه‌ای	رسد بر دلش تیری از گوشه‌ای
بکاریم دانه گه کشت و کار	سپاریم کشته به پروردگار
چنین گریکی کارو گر صد کنیم	توکل بر ایزد نه بر خود کنیم
نگهدار ما هست یزدان و بس	به یزدان پناهیم و دیگر به کس
بهرچ آفریننده کردست راست	نگوئیم کین چون و آن از کجاست

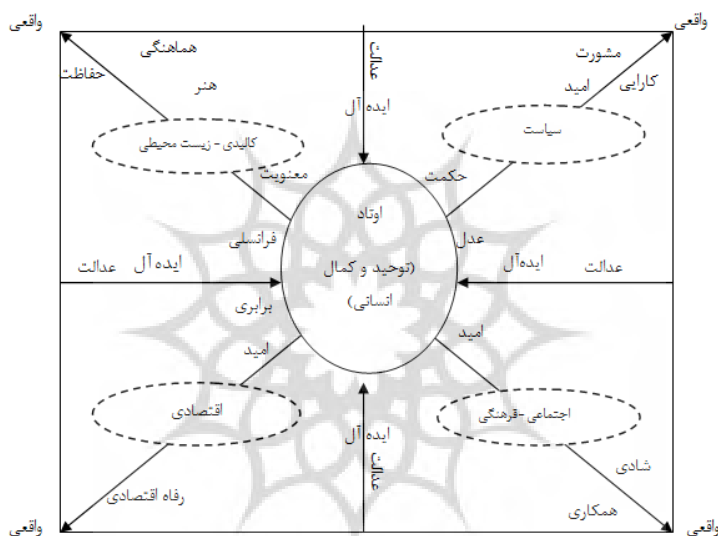
اقبال‌نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۳۰

در مجموع می‌توان گفت همان‌طور که رخت بستن فضیلت اخلاقی (محبت، امید، شادی) از زندگی مردم از تنگناهای زندگی امروز است، نظامی گنجوی این امر را برای شهرهای امروزی در قالب آرمان‌شهر خود با محوریت ایمان و نائل آمدن از مقام شهروندی به اوتاد میسر می‌داند.

همانا که پیش جهان آزمای
جهان هست ازین نیک مردان بجای
بدیشان گرفتست عالم شکوه
که اوتاد عالم شدند این گروه

اقبال نامه، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰

مطابق نمودار شماره ۳ مدل آرمان شهر ایرانی - اسلامی از دورنمای آرمان شهر نظامی گنجوی به مثابه کاتالیزوری برای شهرسازی امروز ضمن در برگرفت ابعاد شش گانه سعی دارد از حالت ایده آل خود به سوی واقع گرایی حرکت نماید.



نمودار شماره ۳. مدل مفهومی آرمان شهر ایرانی - اسلامی از دورنمای آرمان شهر نظامی گنجوی

جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که در مقاله اشاره شد نخاستگاه آرمان شهر نظامی گنجوی با بهره گیری از اندیشه اسلامی - ایرانی در درجه نخست، برگرفته از ایدئولوژی معنوی توحید و خدامحوری است. وی ویژگی اصلی آرمان شهر خود را ایمان به اصل و پذیرش الزامات ناشی از آن می داند که شاکله آن مبتنی بر انسان به عنوان انسانی کامل و سعادتمند است و از این رو، انسان را که به مرتبه توحید رسیده باشد، در مرکز آرمان شهر خود قرار می دهد. انسان بر پایه توانایی ها و ظرفیت های خود می تواند به مراحل ارزشمند انسانیت دست یابد و با تأکید بر اندیشه و تدبیر خود به تحول،

ارتقای کمال‌جویی و اعتلای جامعه منجر گردد. وی با ترسیم آرمان‌شهرهای خود، رنسانسی را رقم زد که بارزترین وجه آن سوق دادن مفاهیم به حوزه‌ای فراتر از قومیت و دیانت یعنی انسانیت، جهت یافتن راهی سوی تعالی و کمال در قالب مفهوم عدالت بود. نکات با اهمیت در بررسی اندیشه آرمان‌شهری نظامی گنجوی در ابعاد شش‌گانه شهری به شرح زیر می‌باشد:

- بخش کالبدی به عنوان نماد و تأویلی از حقیقت شهر آرمانی است که در آن هنر، معماری و طراحی شهری ابزاری برای رسیدن به کمال غایی انسانی می‌باشند. هنر برای وی علاوه بر بُعد فردی آن، دربردارنده هنر جمعی است که در عناصر معماری و فرم‌های سازنده فضای شهری ظهور و بروز می‌یابند. آنچه فضای شهری آرمان‌شهر ایرانی - اسلامی نظامی گنجوی را از سایر آرمان‌شهرها متمایز می‌نماید توجه به محل پرستش در شهر می‌باشد.
- در بخش زیست محیطی لازم به تأکید است، آرمان‌شهر نظامی گنجوی به عنوان آرمان‌شهری اسلامی - ایرانی حدود هشت قرن زودتر، مباحث مربوط به توسعه پایدار را بیان نموده است. وی استفاده بهینه از منابع طبیعی و ظرفیت محیطی را با نگاهی دوراندیشانه به چشم‌انداز فرانسلی بودن منابع طبیعی با تأکید بر توسعه پایدار مد نظر قرار داده است. همچنین آب و باغ به عنوان عناصر حیاتی اندیشه ایرانی شهری با نمودی از باور اسلامی از بهشت مینوی یاد شده‌اند.
- در بخش سیاسی شهر، عدالت و حکمت به عنوان ارکان حکمروایی شهری بیان شده است که در سایه تدبیر و مشورت، ایمان، خرد و دانش‌ورزی به نحو احسن امکان‌پذیر است. بنابراین، آرمان‌شهر اسلامی - ایرانی در صورت داشتن شروط یاد شده، حتی نیازمند حاکم از طبقه خردمند نمی‌باشد، مسئولیت‌ها و جایگاه باید مشخص باشند و اداره شهر از طریق تمام شهروندان صورت گیرد. آنچه که حدود نه قرن بعد از بیان آن با عنوان برنامه‌ریزی دموکراسی - مبنا توسط بسیاری از اندیشمندان برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌گردد و تاکنون زمینه تحقق آن فراهم نگردیده است.
- بُعد اقتصادی آرمان‌شهر اسلامی - ایرانی نظامی گنجوی ضمن تأکید بر برابری اقتصادی، جامعه بی طبقه (برخلاف آرمان‌شهر افلاطون و فارابی) به رفاه و توسعه اقتصادی شهری تأکید می‌نماید که توسط شه‌ریار آرمانی کاردان و دارای ایمان میسر می‌باشد.

- از بُعد اجتماعی، جامعه آرمانی نظامی گنجوی مبتنی بر هویت انسانی و برابری میان افراد چه زنان و چه مردان دارای اهمیت می‌باشد که پیشنهاد می‌دهد این امر از طریق قانون‌گرایی و برقراری امنیت و آسایش محیطی در فضای شهری آرمان شهر میسر گردد.
- در بخش فرهنگی، آنچه مشخصه بارز آرمان شهر ایرانی - اسلامی می‌باشد اخلاق به عنوان سرمایه‌ای فرهنگی است که از طریق «پایایی امید» در جهت ایجاد جامعه خوب میسر می‌گردد. این امر نیازمند محبت به عنوان نیروهای غایت پویش کمال‌جویانه‌ی آدمی و تکاپوی انسانی در راه سعادت مطلق جهت یکی شدن با خدا و شادی در جامعه توسط همکاری و تعاون شهروندان می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت، آرمان شهر اسلامی - ایرانی از دورنمای اندیشه آرمانی نظامی گنجوی، اگرچه با دنیای عمل و با واقعیات موجود عالمی (که به هیچ اتویایی زیبایی مجال تحقق نمی‌دهد) فاصله بسیار دارد، اما از زمان مطرح شدن آن با امید دستیابی به جامعه خوب، ضمن در برداشتن راه‌حلهایی برای زندگی کنونی (رویکرد جبرانی)، می‌تواند میزان سنجشی (رویکرد انتقادی) در جهت حرکت به سوی آرمان اسلامی - ایرانی (رویکرد تغییر) ارائه دهد. به عبارت دیگر، آرمان شهر ایرانی - اسلامی بر پایه تہذیب نفس و بر مبنای روابط و قانون الهی در چارچوب عدالت، آرمان شهر نیکان تعریف می‌گردد و فارغ از ابعاد زمانی و مکانی است.

منابع

- احمد پناهی، محمد (۱۳۷۲)، «مروری در آرمان شهر نظامی گنجوی»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، جلد اول، دانشگاه تبریز: ۱۲۹-۱۴۴.
- اصیل، حجت ا... (۱۳۷۱)، «تصویر «کنگ دژ»، آرمان شهر نظامی گنجوی»، مجله کلک، فروردین و اردیبهشت، ش ۲۵ و ۲۶: ۴۷-۵۶.
- اصیل، حجت ا... (۱۳۸۵)، «داستان شهر زیبایی، روایتی از آرمان شهر نظامی گنجوی»، مجله جستارهای شهرسازی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ش ۱۷ و ۱۸: ۱۱۸-۱۲۱.
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱)، «آرمان شهر در اندیشه ایرانی»، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- افضل، سید عبدالرئوف؛ لکزایی، نجف (۱۳۹۲)، «آرمان شهر ملاصدرا؛ چیستی، ارکان و ویژگی‌ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز ۱۳۹۲، ش ۶۳: ۶۱-۸۲.

- امین‌زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، «آرمان‌شهر اسلام شهرعدالت»، صفحه، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ش ۳۵: ۲۱-۳۱.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۲)، *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا سلسله قاجار*، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۵)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*: تفکر و تأثر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- حسینی، مریم (۱۳۸۵)، «آرمان‌شهر زنان: مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی، با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اوتوپیا»، *پژوهش زنان: زن در توسعه و سیاست*، دوره ۴، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۳۲.
- حسینی، مریم و دهقانی، سولماز (۱۳۹۴)، «تحلیل فرایند بردیت از نظرگاه یونگ در اسکندرنامه نظامی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، پاییز ۱۳۹۴، ش ۳۸: ۷۷-۹۸.
- خاتمی، احمد و هادیان، مرتضی (۱۳۹۴)، «داد در اندیشه سیاسی - اجتماعی حکیم نظامی گنجه‌ای»، *مجله مطالعات انتقادی ادبیات فصلنامه*، دانشگاه گلستان، سال دوم، بهار ۱۳۹۴، شماره مسلسل پنجم: ۵۴-۶۷.
- خرمی، مریم و خانی، مینو (۱۳۹۶)، «تحلیل بازتاب نقاشی در جامعه قرن ششم هجری با نگرش به آثار نظامی گنجوی»، *مجله باغ نظر*، شهریور ۱۳۹۶، ش ۵۱: ۶۱-۷۰.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، *پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد*، انتشارات سخن.
- شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۷۷)، «دادپرور دیار، آرمان‌شهر نظامی گنجوی»، *مجله کیهان فرهنگی*، آذر و دی ۱۳۷۷، ش ۱۴۸: ۳۲-۳۵.
- طغیانی، اسحاق و معینی‌فرد، زهرا (۱۳۸۷)، «آرمان‌شهر زنان در خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۱: ۱۱۳-۱۳۰.
- طغیانی، اسحاق و حاتمی، حافظ (۱۳۹۰)، «رابطه ادبیات و اخلاق با رویکردی به آثار نظامی گنجه‌ای»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره ۳، تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۰: ۶۳-۸۲.
- طغیانی، اسحاق و جعفری، سمانه (۱۳۸۸)، «شیرین‌ترین حکمت‌های خسروی (در غنایی‌ترین اثر نظامی - امر خسرو و هاتفی)»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۱۳: ۱۳-۶۲-۳۹.
- فاضلی، قادر (۱۳۸۱)، «راه و رسم فرمانروایی در اندیشه نظامی گنجوی»، *مجله علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، زمستان ۱۳۸۱، ش ۲۰: ۲۸۳-۳۰۰.

- فلاحی، کیومرث (۱۳۷۳)، شهر خوبان، «گذری در آرمان‌شهر نظامی گنجوی»، مجله تعاون، دوره جدید، تیر ۱۳۷۳، ش ۳۴: ۲۲ - ۲۷.
- فلاحی، کیومرث (۱۳۸۹)، آرمان‌شهر ایرانی و راهبردهای آن (جستاری در اندیشه‌های آرمان‌گرایانه نظامی گنجوی)، مجله: اطلاعات سیاسی - اقتصادی «خرداد و تیر ۱۳۸۹ - ش ۲۷۳ ۲۷۴: ۴ - ۲۳».
- علی آبادی، محمد (۱۳۸۲)، «شهر خداوند تصویری از ساختار معنایی آرمان‌شهر اسلامی»، مدرس هنر، دوره اول، بهار ۱۳۸۲، ش ۳: ۷۲-۹۱.
- علی وحیدی، حمزه (۱۳۸۲)، «علل انحطاط مسلمانان؛ مقایسه دیدگاه‌های شهید مطهری و شیخ محمد عبده»، معرفت، تابستان ۱۳۸۲، ش ۶۸: ۸۷-۹۵.
- کریمی، پرستو (۱۳۹۱)، «معانی نمادین رنگ‌ها در شعر نظامی گنجوی»، مجله ادبیات و علوم/انسانی (دانشگاه شهرک)، پاییز ۱۳۹۱، ش ۲۶: ۱۵۵ تا ۱۸۹.
- کریمی، محمد حسین و نوروزی، زینب (۱۳۸۷)، «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی»، نشر پژوهی ادب فارسی، ش ۲۴ (پیاپی ۲۱): ۱۷۵-۲۰۶.
- ممتاز، احمد (۱۳۸۴)، «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی»، مولوی پژوهی، زمستان ۱۳۸۴، ش ۶: ۱۱-۴۲.
- منصوریان سرخگریه، حسین (۱۳۸۸)، «نظامی سخنگوی ایران انسانی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال اول، ش سوم، پاییز ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۶۸.
- محرمی، رامین و سروری، اعظم (۱۳۹۲)، «هویت انسان در پنج گنج نظامی گنجوی»، متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، ش ۱، (پیاپی ۱۷) بهار ۱۳۹۴: ۴-۲۹.
- ناصری، ناصر و عظیمی، رسول (۱۳۸۹)، «تنوع کنایات عامیانه در لیلی مجنون نظامی»، فصلنامه علمی -پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال اول، ش ۴، پاییز ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۶۷.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، نظریه فضای حیات طبیه؛ شهر آرمانی اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- نقی‌زاده، م (۱۳۸۴)، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۱۶)، شرف‌نامه حکیم نظامی گنجوی، نسخه وحید دستگردی، مطبعه ارمغان، طهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۱۳)، لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجوی، مطبعه ارمغان، طهران.

- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۶۶)، کلیات خمسه حکیم نظامی گنجه ای، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۳)، اقبالنامه نظامی گنجوی، نسخه وحید دستگردی همراه با حکایات به نثر روان، گردآوری سیده زین دخت دانش، ارمغان طوبی.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۴)، خسرو و شیرین نظامی گنجوی، صحیح و تحشیه نسخه صادق نیک پور، انتشارات سوفیا سوشیا، تهران.
- هاشمی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۲)، زندگی و شرح حال علمی و فکری معلم ثانی ابونصر فارابی، چاپ اول، تهران: انتشارات شریفی.
- وافی ثانی، مریم؛ یاحقی، محمد جعفر و شریف اف، خدایی (۱۳۹۵)، «تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در مخزن الاسرار»، جستارهای ادبی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱۹۲: ۷۹-۱۰۶.
- Cunningham, F. (2010), "Triangulating utopia: Benjamin, Lefebvre, Tafuri, City: analysis of urban trends", *culture, theory, policy, action*, 14(3): 268-277, DOI:10.1080/13604813, 2010, 482268.
- Geoghegan, V. (2004), "Ideology and utopia", *Journal of Political Ideologies*, 9, 2: 123-138, DOI: 10.1080/13569310410001691172.
- Garforth, L. (2009), "No Intentions? Utopian Theory After the Future", *Journal for Cultural Research*, 13(1): 5-27, DOI: 10.1080/14797580802674787
- Hatuka, T., D'Hooghe, A. (2007), "After Postmodernism: Readdressing the Role of Utopia in Urban Design and Planning", *Places*, 19(2): 20-27, <http://escholarship.org/uc/item/7b3789rv>
- L. Debele, M. (2016), "The Ethiopian root of Thomas More's Utopia, International Journal of African Renaissance Studies - Multi-", *Inter and Transdisciplinarity*, 11(1): 22-33, DOI: 10.1080/18186874, 2016, 1212461
- Levitas, R. (2008), "Pragmatism, Utopia and Anti-Utopia", *Critical Horizons*, 9(1): 42-59.
- Levitas, R. (2000), "For Utopia: The (limits of the) Utopian function in late capitalist society", *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 3(2-3): 25-43.
- Levitas, R. (2007), "Looking for the blue: The necessity of utopia", *Journal of Political Ideologies*, 12(3): 289-306, DOI: 10, 1080/13569310701622184.
- Pinder, D. (2002), "IN Defence of utopian urbanism: imagining cities after 'End of Utopia'", *Geografiska Annaler*, 84 B(3-4): 229-2.
- Pinder, D. (2013), "Reconstituting The Possible: Lefebvre", *Utopia and the Urban Question*, Vol.39: 28-45, DOI:10, 1111/1468-2427, 12083.
- Sarakemsky, I.(1993), "Utopia as political theory", *Politikon: South African Journal of Political Studies*, 20(2): 111-125, DOI: 10, 1080/02589349308704997.
- Wright, A.(2004), "An Ambiguous Utopia", *Political Theology*, 5(2): 231-238.
- W. Fernando, J. and et.al(2018), "Functions of Utopia: How Utopian Thinking Motivates Societal Engagement", *Personality and Social Psychology Bulletin*: 1 -14, DOI: 10, 1177/0146167217748604.
- Zuzanek, J. (2016), "Work and leisure in Thomas More's Utopia", *Leisure Studies*: 1-10 DOI: 10, 1080/02614367, 2016.1182200.
- Url1: <http://www.jasjoo.com/books/poem/nezami-ganjavi/sharaf-nameh>.